

## موصول

صله "أل":

۱- صفت صریح مانند اسم فاعل و اسم مفعول: الناصر، المنصور  
بر خلاف "أبطح" (از وصفیت خارج شده و اسم مکانی شده)

۲- فعل مضارع: و ما انت بالحکم الترضی حکومته  
جمهور بصریین: اختصاص به شعر و ضرورت دارد  
ابن مالک: این مورد کم است نه ضرورت

۳- جمله اسمیه: من القوم الرسول الله منهم  
این مورد اختصاص به شعر دارد

"أی" یکی از موصولات مشترک است:  
حالات "أی":

- ۱- اضافه شود و صدر صله آن مذکور باشد: **يَعْجِبُنِي أَيُّهُمْ هُوَ قَائِمٌ**
- ۲- اضافه نشود و صدر صله آن ذکر نشود: **يَعْجِبُنِي أَيُّ قَائِمٍ**
- ۳- اضافه نشود و صدر صله ذکر شود: **يَعْجِبُنِي أَيُّ هُوَ قَائِمٌ**
- ۴- اضافه شود و صدر صله ذکر نشود:

يَعْجِبُنِي أَيُّهُمْ قَائِمٌ

ثُمَّ لَنَنْزَعَنَّ مِنْ كُلِّ شَيْعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

ابن مالک:

"أی" فقط در حالت چهارم مبنی است

علت بناء: شباهت حرفیه تقویت شده است چون "أی" نیاز به صدر صله دارد